



تئیه های امروز

عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی:

بنزین وارداتی یورو ۲ هم نیست

مقایله با آلودگی هوا تعطیل شده است فقط مهد کودک ها، پیش دبستانی ها و مدارس ابتدایی نواحی یک و ۲ شهری تعطیل شدا



صفحات ۴ و ۳

در ادامه سقوط آزاد قیمت طلای سیاه صورت گرفت

ورود نفت ایران به کانال ۲۰ دلاری

صفحه ۱۶

گفت و گو «وطن امروز» با حسین قاسمی جامی، کارگردان فیلم «بی ۲۲»

از پشت خاکریزها تاسکوی دریایی

صفحه ۱۳

نامه علاء الدین بروجردی به همتا یانش در ۵+۱

آمریکا برجام را نقض کرده است

صفحه ۲

۲۰۵ نماینده مجلس در نامه ای به روحانی خواستار اقدام عملی برای عبور از رکود عمیق و بی سابقه شدند

هشدار به دولت رکود

صفحه ۲



تولید فرزند

خبر

علی لاریجانی:

بلوکه کردن اموال ایران در آمریکا نوعی سرقت است

رئیس مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه طرف مقابل در روند اجرای برجام به دنبال شیطنت است، به اقدام اخیر نمایندگان آمریکا برای بلوکه کردن اموال ایران واکنش نشان داد و گفت این اقدام آمریکایی ها سرقت اموال مردم ایران است.

علی لاریجانی در دومین همایش قضات دادسرای عمومی و انقلاب تهران با اشاره به شرایط داخلی، منطقه ای و بین المللی اظهار کرد: این شرایط اقتضا دارد که رفتار ما آداب دیگری داشته باشد. ما از نظر بین المللی درگیر مساله اتمی بودیم و مسائل حقوق بشر و مشکلات دیگری برای ما به وجود آورده بودند که با تلاش آگاهانه و همراه با دقت، مسیر هسته ای وارد مرحله دیگری شد و از بازی که آنها ۱۲ سال در آورده بودند وارد شرایط جدیدی شدیم. به گزارش ایسنا، وی با اشاره به توافق برجام نیز گفت: سند اخیر منافع ملی را از جهاتی تامین می کند، هم دانش هسته ای باقی می ماند، هم راه برای تحقیق و توسعه هست و هم تحریم ها برداشته می شود. این اهداف کلان در سند وجود دارد اما طبیعتا شیطنت غربی ها پایان نمی پذیرد و آنها در اجرای برجام هم دنبال شیطنت هستند. لاریجانی با بیان اینکه غربی ها اقداماتی انجام داده اند که با روح برجام سازگار نیست، گفت: ما باید مراقب باشیم که در اجرا آنها راه دیگری نزنند. اخیرا آنها نامه ای نوشتند که به خاطر دعای مسن درآوردی اموال ایران را بلوکه کنند که این نوعی سرقت است که ما باید در ایران برای تلافی آن ببیندیشیم. اما اینها نشان می دهد چالش های بین المللی ما هنوز وجود دارد و مسائل بین المللی جنس داغ دارد و باید به آن توجه جدی صورت گیرد. رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به شرایط منطقه نیز خاطرنشان کرد: هیچ وقت منطقه اینقدر آشفته نبوده است. اکثر کشورهای اسلامی درگیر هستند و جدا از خصوصت ها و رقابت های کودکان در منطقه باید به پدیده تروریسم توجه کرد که هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی رشد کرده و نامنی را در منطقه به اوج رسانده است. لاریجانی ادامه داد: ما شاهد گروه متحجر هیستیم که هم آبروی اسلام را می برد و هم برای امت اسلامی نامنی به وجود می آورد. ایران در سال های گذشته با پدیده تروریسم بهترین مبارزه را انجام داده، ما در عراق و سوریه مقابل تروریست ها ایستادیم.

سیاست

هاشمی فرسنجانی ۹۴، اگر چه شاید با هاشمی دو دهه اخیر تفاوتی نداشته باشد، اما تطوری داشته که قابل تامل است. مواضع ابهام آمیز و شبهاتی که وی این روزها مدام مطرح می کند، پیش تر و در سال های آغاز انقلاب توسط خود او به شکلی کاملاً فنی پاسخ داده شده، به همین دلیل به نظر می رسد تلقی غریزی بودن اظهارات هاشمی و فاصله گرفتن نظری او از آرمان های انقلاب و امام بیره به نظر نمی رسند. به خاطر همین است که او به راحتی امام را تحریف می کند، خاطرات را آنگونه که می خواهد و او را به هدفش نزدیک می کند، تعریف می کند بی آنکه نسبتی با واقعیت داشته باشد. اظهارات اخیر او اما همه آنچه یوزسیون در سال های اخیر منتظرش بودند، برآورده کرده است. هیچ کس از ضدانقلاب از هاشمی ناراضی نیست. او همانطور که سیا می خواهد فکر می کند. با این حال اما واکنش ها به اظهارات هاشمی بسیار است. در میان واکنش ها روز گذشته اما حسین فدایی عضو جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی در «رنجنامه ای» هاشمی را بازخوانی کرده است. او در ابتدای متنی که برای هاشمی نوشته است می آورد: اما مواضع شما را در روزهای اخیر و در ثبت نام مجلس خبرگان رهبری مشاهده کردم. فرموده بودید: «میدواریم این انقلاب به حضرت حجت (عج) واگذار شود و ما نیز زیر نظر این امام زنده و غایب، راهمان را بدرستی بییمیم». مواضع جناب عالی را از ابتدای انقلاب مرور و بازخوانی کردم تا ببینم آیا مسیری که جناب عالی از ابتدای انقلاب اسلامی تا به امروز پیموده اید در راستای آرزویی می باشد که بیان کردید و یا آنکه خدای ناخواسته برعکس است. لذا این رنجنامه را تقدیم می کنم شاید مؤثر افتد. فدایی با یادآوری خاطرات زندان از نحوه اشنایی اش با هاشمی می نویسد و از حمایت او از افراد مساله دار، آن هم پس از انقلاب می گوید: با اعتقادی که به روحانیت داشتیم به طرف شما امدم و حال و احوالی کردیم و به رغم توجهی که معمولاً به یک زندانی جدید می شد، شما را ترجیح دادم. آنچه در این مدت برایم جلب توجه می نمود سوال های شما از محیط بیرون و فضای دانشگاهی بود و نگرانی تان از افکار افرادی همچون دکتر پیمان و امثالهم، چراکه این افکار را خطرناک می دانستید. این وقت نظر برای من که یک جوان ۲۱، ۲۰ ساله بودم بسیار قابل توجه بود. البته داستان حمایت های شما از منافقین (سازمان مجاهدین خلق) و فاصله گیری شما پس از تغییر ایدئولوژی آنها و برخورد هایشان با روحانیت در زندان را نیز کمیاب می دانستم. با این خاطره که از شما در ذهن داشتم، پس از پیروزی انقلاب اسلامی دعوت از افرادی چون دکتر پیمان برای عضویت در شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی، برایم بسیار

رنجنامه حسین فدایی خطاب به اکبر هاشمی فرسنجانی

تطور بر مدار «قدرت»

سوال برانگیز بود.

عضو جمعیت ایثارگران ماجرای پذیرفتن قلعطنامه را به هاشمی یادآور می شود: آن زمان که فشارهای بین المللی و لیبرال ها و ضدانقلاب و منافقین و آقای منتظری و بیت ایشان بر حضرت امام (ره) و ملت ایران برای القا و تحمیل قطعنامه به جمهوری اسلامی بود و راهبرد حضرت امام (ره) و ملت ایران و رزمندگان «جنگ جنگ تا پیروزی» بود، شما به دنبال پذیرش قطعنامه بودید. اینکه چنین تحلیل و نظری داشتید، شاید چندان مهم به نظر نرسد ولی مساله پراهمیت این است که برای تحقق نظرات در فرماندهان ایجاد تردید کردید. نام آن را نیز عقلا نیت گذاشتید و به فرماندهان و رزمندگان سپاه گفتید همه موافق قبول قطعنامه هستید، الا شما و اگر شما کوتاه بیایید حضرت امام (ره) هم قبول می کنند. فدایی در بخش دیگری از نامه درباره تنویریه کردن «خط تردید» خطاب به هاشمی می نویسد: تنویریه کردن «خط تردید» و عقلائی جلوه دادن و تندرو خواندن مخالفان آن، بزرگترین خطای شما بود و متأسفانه نه تنها هیچ گاه در خود تردید نکرده اید بلکه همواره مخالفان را مذمت نمودید. البته خوب می دانید که امام و ملت ایران و بچه های حزب الهی هیچ گاه جنگ طلب نبوده و نیستند. هیچ گاه به وعده های نظام سلطه اعتماد نداشته و ندارند و بزرگترین مصداق و دلیل آن هم همین قطعنامه ۵۹۸ بود. دشمنان چقدر به وعده های خود عمل کردند؟ آیا متجاوز (صدام) محاکمه شد؟ وی در ادامه سال های دوران ریاست جمهوری هاشمی را شرح می دهد: در خطبه های نماز جمعه که تا دیروز بر عدالت اجتماعی تأکید داشتید از آن پس مردم را به مانور رفاه و مصرف گرایی دعوت کردید و چه بسیار خیرخواهان و دوستان که شما را نصیحت کردند و گوش فرا ندادید. عده ای از بستگان و اعضای حزب دولت ساخته که شما را پدر معنوی خود می دانند و شما نیز خود را برادر معنوی آنها معرفی کردید آن چنان شما را احاطه کردند که صدای دیگری را یا نمی شنیدید یا حسایی برای آن باز نمی کردید. فشار اقتصادی آن قدر بر مردم زیاد شد که حوادث و رخدادهای ۱۳ آبان، مشهد، اسلامشهر و... رخ داد ولی علت وقوع آنها را ریشه یابی نکردید. این در شرایطی بود که عده ای از نزدیکان شما خیلی معمولی و با صراحت می گفتند که بستگان رئیس جمهور بایستی با بستگان رؤسای جمهور دنیا ارتباط و حشر و نشر داشته باشند؛ و قطعاً برای اینکه کم نیاروند، روی آوردن به زندگی و مشرب و شرافی و گذراندن اوقات فراغت و تفریحات در اروپا - شما دیدید که آنها تمام شخصیت شما را به

استهزاء گرفتند. شما دیدید که آنها میراث امام را به آتش کشیدند. شما دیدید خط افراط و رادیکال را آنها دنبال می کنند. شما دیدید آنها جهاد، گذشت و ایثار بسیجیان را به خشونت طلبی معنا کردند. اما در مقابل چه کردید؟ فدایی تلاش اولگرایان برای وحدت حول محور هاشمی در دوران دوم خرداد را یادآوری می کند: پس از کودتای نرم و غائله ۱۸ تیر ۷۸... همگی خدمت رسیدند و تحلیل خود را ارائه دادند و از شما برای محوریت وفای همه نیروهای معتقد به نظام دعوت کردند اما شما به رغم قبول تهدیدها و چالش ها و ضرورت وفای و وحدت فرمودید که دوم خردادی ها در قدرت هستند و شما در ضعف هستید و من هم فراچنانی هستم و تحقیر آمیز گفتید دلم برای شما می سوزد و حاضر نشدید به وحدت حزب الله کمک کنید و ما چه می دانستیم که بنا داریم با مخالفان خود ائتلاف کنید؟! هر چند اگر در انتخابات دوم خرداد دقت می شد معلوم بود که طراحان کارگزار و آقایان مرعشی و کرباسچی از فعالان صحنه هستند... به هر حال یک سال قبل از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴ اعضای شورای مرکزی جمعیت ایثارگران خدمت شما آمدیم- با اینکه به وفای کمک نکردید و به رغم آنکه با مخالفان و منتقدین خود ائتلاف کرده بودید و با همه ناملایماتی که از نسوی شما مشاهده شد - و عرض کردیم شما نیروهای نسل اول انقلاب هستید، اوضاع کشور خوب نیست و باران امام باید برای نسل آینده کمک کنند تا کادر سازی شود، لازم است جوانان و تازه نفس ترها به میدان بیایند، گردش خیگان صورت گیرد. هر آنچه تحلیل کردیم را قبول کردید و تشویق نمودید و گفتید که بنا داریم در انتخابات وارد نشوید ولی تا استانه انتخابات هر روز مطلبی مطرح کردید و دائماً می گفتید می ایم، نمی ایم و در آخر با اینکه متوجه شدید مقام معظم رهبری مصلحت شما را در آمدن به عرصه انتخابات ندیدند ولی تصمیم گرفتید که وارد رقابت شوید. بار دیگر و در آستانه انتخابات سال ۸۴ ریاست جمهوری خدمت رسیدیم و شما را یادآور ملاقات یک سال قبل کردیم و فرمودید همه آن حرف ها را که گفتید یادم هست و قبول دارم ولی اگر اصولگرایان وحدت کنند، نمی آیم- گفتیم کمک کنید تا وحدت شود؛ ما طی توافقاتی که داشته ایم قرار است هر کس در انتخابات مجلس ششم از خجالت شما در آمدند و هدیه ای که در دوم خرداد از شما دریافت کرده بودند را در زمستان ۷۸ به شما عودت دادند؟! شما دیدید که آنها تمام شخصیت شما را به

یادداشت امروز

پشت پرده خصوصی سازی آموزش و پرورش

نفوذ در ارکان حاکمیت

علی هدایت

سه شنبه هفته گذشته، لایحه «تاسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی» از جانب دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد. در لایحه جدید با توجه به حرکت قابل تقدیر نمایندگان ملت در اسفند ۹۳ مبنی بر تصویب قانون ممنوعیت واگذاری مدارس دولتی به بخش خصوصی تا پایان برنامه پنجم، از عبارت «مشارکت مردمی» در توصیف روند خصوصی سازی آموزش و پرورش استفاده شده است. غیرقانونی و خلاف آشکار «خصوصی سازی آموزش و پرورش» با توجه به تأکید موکد قانون اساسی و تصریح اسناد بالادستی همچون سیاست های کلی ایجاد تحول در آموزش و پرورش و سند تحول، غیرقانونی و غیرقابل اجراست. به طور مثال در بند دوم سیاست های ابلاغی رهبر انقلاب می خوانیم: «ارتقای جایگاه آموزش و پرورش به مثابه مهم ترین نهاد تربیت نیروی انسانی و مولد سرمایه اجتماعی و عهده دار اجرای سیاست های مصوب و هدایت و نظارت بر آن (از مهد کودک و پیش دبستانی تا دانشگاه) به عنوان امر حاکمیتی با توسعه همکاری دستگاهها».

با این احتساب واگذاری امر حاکمیتی آموزش و پرورش به مثابه شانه خالی کردن از امر حاکمیت و غیرقانونی محسوب می شود و بنا بر آن مهدهای کودک نیز برخلاف وضعیت فعلی باید به زیرمجموعه حاکمیت بازگردند. خصوصی سازی کارگزارانی؟! اما ماجرا زمانی جالب می شود که اقتصادی ترین چهره های دولت در کنار حامیان شناخته شده نئولیبرالیسم در حمایت از این لایحه، در میدان حاضر می شوند و به نام «مردم» با تشکیلات پیش ساخته به اصطلاح «مردم نهاد» برای تسلط بر آموزش و پرورش گریبان جاک می دهند! به نظر می رسد پیش پرده خصوصی سازی های اقتصادی دوره کارگزاران، با خروج صنایع و معادن و زیرساخت های نفتی و شرکت های مادر از کف ملت به نام «واگارتی» به مردم، در حال بازنمایی است! اما چرا حامیان اقتصاد سراسر مایه داری به فکر تسلط بر مدارس و خروج آموزش و پرورش نسل های آینده از حیطه خصوصی حاکمیت افتاده اند؟! «خصوصی شدن آموزش و پرورش» هر چند پیش از این در دهه ۷۰ به صورت جدی مطرح شد اما هرگز ساخته و پرداخته ذهن ایرانیان و از ادباعت کارگزاران سرمایه داری با اصلاحاتی هانبوده است.

باز تولید فرهنگ سرمایه داری

خصوصی سازی آموزش و پرورش و سایر سازمان های خدمات رسان و تبدیل آنها به «نگاه های اقتصادی» از الزامات دوام و بقای نظام های لیبرالی و نئولیبرالی است که در آن تلاش می شود دخالت دولت در تمام حوزه ها به حداقل کاهش یابد. خلع ید دولت از حوزه آموزش و پرورش نخستین بار به صورت مدون در اندیشه های «هیلتون فریدمن» اقتصاددان آمریکایی جریان فکری مذکور مطرح شد. فریدمن معتقد بود سرعت زیاد و حوزه وسیع تحولات اقتصادی، واکنش هایی روانی را میان مردم بر می انگیزد که باعث تسهیل اصلاحات اقتصادی خواهد شد. او برای این روش دردناک خود اصطلاح «شوکیدرمانی اقتصادی» را ابداع کرد که ۳ رکن اساسی داشت: «حذف حوزه عمومی دولتی، آزادی عمل کامل شرکتها و کاهش شدید هزینه خدمات رفاهی و اجتماعی دولت تا جایی که از دولت جز اسکلتی باقی نماند». حتی در غرب نیز متفکران پرشماری پس از مشاهده عواقب این نوع تفکر در حوزه های عمومی همچون بهداشت و درمان و آموزش و پرورش، به موضع گیری علیه این دیدگاهها پرداختند که از آن جمله «ناویمی کلاین»، روزنامه نگار و پژوهشگر آمریکایی است که در کتاب و مستند سینمایی به نام «دکترین شوک: ظهور سرمایه داری فاجعه» زوایای پنهان این جریان را تبیین می کند.

کلاین به ماجرای وقوع سیل در شهر نیویورکلان آمریکا اشاره می کند و از مشورت های خبیثانه فریدمن به سیاستمداران آمریکایی برای بهره برداری از این «شوکید» به منظور حذف مدارس دولتی و بازسازی مدارس و نظام آموزشی در قالب غیردولتی و به اصطلاح «کوئیتی»، برده برمی دارد.